



سردر تاریخی مسجد جمعه اصفهان

لطف الله هنرفر

آثار سلجوقی مسجد جامع اصفهان

بدون شک، جالب‌ترین آثار تاریخی موجود در مسجد جامع اصفهان، آثار اصیل دوران سلجوقی می‌باشد، که طی ۶۰ سال سلطنت ملک‌شاه و جانشینان او در اصفهان - که این شهر پایتخت آنها بوده - به شرح زیر بوجود آمده است:

۱. سلطنت ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ هـ. ق)
 ۲. سلطان برکیارق بن ملک‌شاه (۴۸۵-۴۹۸ هـ. ق)
 ۳. سلطان محمد بن ملک‌شاه (۴۹۸-۵۱۱ هـ. ق)
 ۴. سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه (۵۱۱-۵۲۵ هـ. ق)
- آثار برجای مانده این دوران باشکوه تاریخی اصفهان، عبارت است از:

۱. گنبد نظام الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان، که به وسیله خواجہ نظام الملک طوسی، صدراعظم ملک‌شاه، بنا شد. در کتیبه کسوفی آن، نام پادشاه وقت، ابو الفتح ملک‌شاه بن محمود بن داود یسین خلیفه الله امیرالمؤمنین^۱، و وزیر او، خواجہ بزرگ حسن بن علی بن اسحق طوسی، و خزانة دار وقت، ابو الفتح احمد بن محمد الخاقان، ذکر شده است.
۲. گنبد شمالی مسجد جامع به نام تاج الملک که در نزد مردم محل به گنبد خاکی شهرت دارد، و به دستور ملکه سلجوقی و زوجه مقتدر ملک‌شاه، ترکان خاتون، و به وسیله تاج الملک ابوالغنائم مرزبان بن خسرو فیروز از وزرای مشهور سلجوقی و رقیب خواجہ نظام الملک، در سال ۴۸۱ هـ. ق بنا شد. این گنبد از نظر جنبه معماری و هنری، زیباترین اثر معماری جهان عنوان گرفته است.^۲

مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان، در حقیقت مجموعه‌ای از صنایع معماری و هنرهای زیبای ایران بعد از اسلام است، و یادگارهای سلسله‌های پادشاهان و حکام، و مردان و زنان نیکوکار ایرانی بعد از اسلام را دربر دارد، و تنها بنایی در ایران محسوب می‌شود که تحولات معماری و تزیینات اسلامی ایران را طی ۱۴ قرن اخیر می‌توان در آن مشاهده و مطالعه کرد. آثار اسلامی قرون اولیه هجری، و اضافات و الحاقات بعدی از دوره‌های دیلمه، سلاجقه، عهد ایلخانان، دوره جانشینان تیمور، ترکمانان آق قویونلو، عهد صفویه و قاجاریه ناکتون، از قسمتهای جالب این مسجد تاریخی است که منطقه وسیعی را به وسعت تقریبی ۲۲ هزار متر مربع فراگرفته، و در حقیقت نمودار هنر دوران اسلامی تاریخ ایران است.^۱

۳. پهلستانها و شبستانهای شمال و جنوب مسجد، که با طاقهای آجری متراکم، هم اکنون نیز وجود دارد و جلب توجه می کند.

۴. آثاری که در ۲ ضلع شرقی و غربی مسجد وجود داشته و شامل آموزشگاهها، صومعه ها، مضافها، کتابخانه و مانند اینها بوده، و در حریق سال ۵۱۴ یا ۵۱۵ هـ. ق دچار آتش سوزی شده و از میان رفته است. از سال ۵۱۵ هـ. ق به بعد، به جای آنها آثار دیگری بنا شده، که موضوع اصلی این مقاله است.

حریق مسجد در عهد سلطان محمود

سلطان محمد سلجوقی، فرزند ملک شاه، در ۲۴ ذی حجه سال ۵۱۱ هـ. ق درگذشت، و فرزندش محمود جاننشین او شد. وی در ابتدا با عمویش سلطان سنجر وارد جنگ شد، ولی سپس صلح نمود و پادشاهی عراق، ارمن و گرجستان بر او مسلم شد و دیاربکر، فارس، ایران، ارمن و گرجستان بر او مسلم شد و مسترشد خلیفه عباسی او را سلطان مغت‌الدین محمود بین امیرالمؤمنین لقب داد. مدت سلطنت محمود، ۱۲ سال طول کشید. او بیشتر این مدت در اصفهان و گاهی در بغداد به سر می برد. وی داماد سلطان سنجر بود، و دختر آن پادشاه مشهور سلجوقی به نام ماه‌ملک یا مهملک خاتون^۱، زوجه او بود که در سن ۱۷ سالگی درگذشت. سلطان سنجر از مرگ وی سخت اندوهگین شد، و شاعران دیوار وی در مرثیه فوت او شعرها گفتند، ولی هیچ یک از آن اشعار او را تسلی نپشتند. سلطان از عمعن بخاری که شاعری توانا از اهل بخارا و ملک الشعراء سلاله آل انرساب در سرزمین توران بود، خواست تا در مرثیه دخترش اشعاری بسراید، زیرا عمعن از جهت مرثیه‌هایی که درباره خواتین توران گفته بود، در آن روزگار شهرتی بسزا داشت. ولی چون به طلب وی رفتند او پسر و فرزند شده بود و نقل و تحویل از آنجا مستعذر می نمود، لذا مرثیه‌ای گفته و مصحوب پسر خود حمیدی نزد سلطان سنجر به سرو فرستاد. این واقعه در فصل بهار بود و این دو بیت از آن مرثیه است:

هنگام آنکه گل دمد از صحن بوستان

رفت آن گل شکفته و در خاک شد نهان

هنگام آنکه شاخ شجر نم کشد ز آبر

بی آب ماند ترکس آن تازه بوستان^۲

مدت عمر سلطان محمود بن محمد سلجوقی، ۲۷ سال بود. وی در ۱۱ شوال ۵۲۵ هـ. ق در شهر همدان وفات یافت^۳، و در اصفهان در جنب آرامگاه پدرش، سلطان محمد بن ملک شاه، مدفون شد.^۴

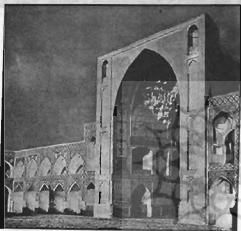
حریق سال ۵۱۵ هـ. ق

در چهارمین سال سلطنت سلطان محمود بن محمد بن ملک شاه فرقه اسماعیلیه مسجد جمعه و کتابخانه نفیس آن را آتش زدند. ابن اثیر^۵ نوشته است که در سال ۵۱۵ هـ. ق، یک

هفته پیش از حریق قصر سلطنتی، جامع اصفهان که باشکوهترین جامعه و زیباترین آنها بوده، سوخت. وی اضافه می کند که بنای مزبور، به دست باطنه آتش گرفت. بنابر آنچه ابن اثیر می گوید، این طور به نظر می رسد که خرابیهای وارده قابل ملاحظه بوده است.^۶

آنچه که در حریق سال ۵۱۵ هـ. ق در مسجد جامع سوخته است، توابع مسجد یعنی ابنیه‌ای مانند آسوزشگاهها، صومعه‌ها، مضافها، مخزنها و کتابخانه‌ای بوده که فهرست آن در ۳ جلد فطور تنظیم شده بوده است.

کستهای سوخته، همانهایی بود که سفروخی^۱ از آنها به اصطلاح «اربع دور» یعنی چهار دستگاه ساختمان یاد می کند. بنا به گفته سفروخی، برای هر نماز کمتر از ۵ هزار نفر در آنجا گرد نمی آمد. پهلوی هر جزری شیخی قرار داده، و جماعتی از طلاب گرد او را گرفته به وظیفه درس پا ریاضت نفس اشتغال دارند. آراستگی این بنا به واسطه مناظره فقها، مباحثه علما، مجادله متکلمان و پندهای واعظان است. در آنجا صوفیای و



علما و کسایی دیده می شوند که به حال عبادت در مسجد اقامت گزیده‌اند، و با تسبیح و دعا زندگانی را می گذرانند. روبروی مسجد، کتابخانه‌ای با حجرات گوناگون و مخزنش واقع است. این کتابخانه به وسیله استاد رئیس ابوالعباس احمد الفی ساخته شده، و او کتب مربوط به همه گونه علوم را که به مرور ابام فضلا و ادبای سابق انتخاب کرده‌اند، در آنجا جمع نموده است، کتابخانه سزبور دارای فهرستی در ۳ جلد بزرگ بوده است مشتمل بر کتابهایی در موضوعهایی مانند: تفسیر قرآن، حدیث، صرف، نحو، لغت، ادبیات، شعر، منطق، ریاضی و طبیعی.^۲

عظیم، اعاده هذه العمارة بعد الاحتراق، فی شهر سنة خمس عشرة و خمس مائة، ۱۲.

مرحوم میر سید علی جناب ۱۵، مؤلف تاریخ اصفهان - که به نظر نگارنده نخستین دانشمند محقق اصفهانی است که این کتبه را قرائت نموده - در رساله ای به نام «راهنمای مسافران اصفهان»، درباره حریق مسجد جمعه چنین نوشته است: «از جمله، فهرست کتابخانه مسجد ۳ مجلد کتاب بزرگ شده بود از هر نوع کتبی، تا اینکه در تاریخ ۵۱۵، زمان سلطان محمود، باطنیه، شب، یک چنین مسجدی را آتش می زنند که این اثر، نوشته در ذیل وقایع همین سال، زیباترین و بزرگترین مساجد را باطنیه آتش زدند.

در آن زمان مرکز امور سلطنت در ایران، بغداد و غیره اصفهان بود، و سلطان محمود مالیات جدیدی بر معاملات بغداد جلیبناً قرار داده بود. و این حریق را از اثر ششامت آن مالیات تصور کرد، و مالیات را موقوف ساخت و امر به اعاده عمارت مسجد داد. عبارت: امر باعادة هذه العمارة بعد



سالمروخ نوشته است: یکی از اصفهانیان معروف به ابومضر رومی ۲ فیلولوار معلق بر ممری که از مسجد جامع به اول بازار رنگرزان می رود، یک طاق و ۲ ستار بنا کرد، و دری برای مسجد ساخت که هزار دینار خرج آن شد. ۱۶
منظره مسجد بعد از حریق، به این ترتیب بوده است که در هر یک از ۲ انتهای شمالی و جنوبی، فضای وسیع و بنای گنبدداری برپا بوده است، گنبدهای نظام الملک و تاج الملک، و در ۲ ضلع شرقی و غربی جز آثار سوخته شده و ویرانه ای از خاک چیز دیگری وجود نداشته است.

شیخ جابری اتصاری در تاریخ اصفهان و ری ضمن وقایع سال ۵۱۴ هـ. ق، راجع به این حریق چنین نوشته است: «مسجد جامع اصفهان را یکی از ملاحده آتش آنداخته، کتابهایی در آنجا بسوخت. هفتصد، عمارات سلطنتی از شمس که در دست کنیزکی بود سوخته، و جز یاقوتها، جواهر بسیاری در آتش آب شده. ۱۳»

کتبه کوفی قدیمترین سردر مسجد جامع یک کتیبه کوفی که تزئینات خطی اطراف قدیمترین سردر مسجد جمعه اصفهان را در جانب شمال شرقی تشکیل می دهد و امروز نیز خوشبختانه وجود دارد، از این حریق حکایت می کند.

کتبه مزبور به خط کوفی با آجر برجسته به شرح زیر است: «بسم الله الرحمن الرحيم ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكرونها اسمها ومعنى في غربائها اولئك ماكان لهم ان يدخلوها الا عاقبتين لهم في الدنيا عزي و لهم في الاخرة عذاب

الاحتراق في شهر سنة خمس عشرة و خمس مائة، در کتیبه سردر یک دستگاه از عمارات مسجد معروف به مسجد عمر عبدالعزیز عجلی هنوز باقی است. ۱۶

مسجد عمر عبدالعزیز عجلی، قسمتی از مسجد جامع اصفهان در ضلع شرقی این بنای عظیم تاریخی است، که هم اکنون به نام «صفه» عمر شهرت دارد. ۱۷

پانوشتها:

۱. حسن حشاربهای امیر در مسجد جامع اصفهان، آثاری از دوره ساسانی نیز پدیدار شد که مورد بررسی و مطالعه است.
۲. مقصود المقدی بالله، خلیفه عباسی است که از سال ۲۸۷-۲۹۷ هـ. ق بر مسند خلافت عباسیان تکیه زد.
۳. پروفیسور آرتور. ایهام یوب مؤلف کتاب بررسی هنر ایران، شرح جامعی درباره این اثر تاریخی نگاشته است، و گنبد تاج الملک را

- بدین گونه ترمیم می‌کند: «این بنای با عظمت، خاموش، جدی و اسرارآمیز، یکی از زیباترین آثار معماری جهان است».
۲. خواجه امام نیشابوری، «مذهب‌الدین»، سلجوقنامه، چاپ تهران، ص ۵۳
۵. دهران عمیق بخاری، مقابله و تصحیح استاد سعید نفیسی، چاپ تهران، ص ۱۶
۶. سلجوقنامه، ص ۵
۷. مجمع التاریخ والتعصبات، تصحیح ملک الشعراء، بهار، ص ۲۶۵
۸. ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم شیبسی، موصلی جزیری مذهب به فرزالدین و مکتبی به ابوالحسن، ادیب، محدث و مورخ مشهور، از اجلای علمای شافعیه فرزند تیراندین ابوالکرم، در سال ۵۵۵ هـ. ق در جزیره ابن عمر از طغانات موصل متولد شد، و تا حد رشد در خدمت پدر و برادر خود در موصل اقامت داشت. وی از آکار حرفی تحصیل علوم مستخرج کرده تا آنکه در حدیث، اتساب، سیر، تاریخ، وقایع، حروب و ایام مشهوره غرب مشرف شد. وی صاحب تألیفات است از آن جمله: تاریخ تائبکان موصل، لطف العیالیه و طرقة الشریع، وکامل التاریخ که وقایع مهم عالم را از اول خلقت تا سال ۶۲۸ هـ. ق نوشت، که به تاریخ کامل و تاریخ ابن تیر نیز معروف است، و در لندن، پاریس، مصر و قاهره، بارها چاپ شده است. وفات ابن تیر، در سال ۶۳۰ یا ۶۳۸ هـ. ق اتفاق افتاده است. و. ک. ریحانة الادب، ص ۲۲۲.
۹. گیاره تهران، انتشارات اداره کتب پاستوران شناسی، ج ۱، جزوه دوم، ص ۱۱۸
۱۰. منتظر بن سعد بن حسن مافروض اصفهانی، از نویسندگان اوایل قرن ۵ هـ. ق است که درباره موطن و مولد خود، اصفهان، کتابی به نام محاسن اصفهان به زبان عربی به رشته تحریر درآورد، و این کتاب را به فخرالملک، فرزند خواجه نظام الملک طوسی، اهدا کرد.
- نسخه عربی این کتاب، به وسیله دانشمند محترم کتابی سیدجلال الدین تهرانی در سال ۱۳۱۲ هـ. ش منتشر شد. ترجمه فارسی آن تحت عنوان ترجمه محاسن اصفهان، به وسیله حسن بن محسن بن الرضا عطری لوی در قرن ۸ هـ. ق به رشته تحریر درآمد. رساله ترجمه محاسن اصفهان در سال ۱۳۲۸ هـ. ش، به اهتمام دانشمند لقبه عباس اقبال منتشر شد.
۱۱. آثار تهران، ج ۱، جزوه دوم، ص ۱۱۵
۱۲. ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال، چاپ تهران، ص ۶۳.
۱۳. جابری انصاری، شیخ میرزا، حسن تاریخ اصفهان و ری، ص ۱۱۵
۱۴. بعد از کلمه اسحق، قسمتی از این کتیبه تا سینه‌ها عذاب عظیم به مرود زمان از بین رفته است.
۱۵. حاج میرید علی بن میرمحمد باقر بن میرمحمد حسن معروف به جناب، در ۲۵ ذی الحجة الحرام سال ۱۲۸۷ در اصفهان متولد شد، و در شب جمعه ۳۰ شوال ۱۳۲۹ هـ. ق در تهران وفات یافت، و در حسن امامزاده عبدالله در حضرت عبدالعظیم (ع) مدفون شد. وی

از معارف رجال ادبی و ریاضی اصفهان است، که در نزد علمای این سامان فقه، اصول، حکمت و طب به خصوص ریاضی را آموخت، و در هیئت جلیله و قدیم سرآمد معاصران شد. وی تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن، و ترویج افکار از راه روزنامه، کتاب و تدریس کرد. سالها رنج براه تا کتبی در تاریخ و جغرافی و رجال اصفهان تألیف نمود به نام اصفهان در ۱۰ مجلد، که فقط جلد اول آن به طبع رسید. روزنامه الجناب نیز به وسیله دانشمند مزبور در ماه شوال ۱۳۲۲ منتشر شد، و ظاهر آن تا شماره ادامه یافت. فرامهر سنابر اصفهان، جزوه کوچکی دیگری است در ۲۷ صفحه، و همچنین ترجمه قسمتی از سفرنامه شاردن فرانسوی راجع به اصفهان که به وسیله وی چاپ شد. و. ک. مهدوی، سیدمصطفی الدین، تذکره الکبری و با دانشمندان و بزرگان اصفهان، چاپ اصفهان، صص ۲۴۰ - ۲۴۱

۱۶. مرحوم میرمیدعلی جناب، عکس کتیبه ابن سفر را (بیب روی جلد رساله خود) فرامهر برای مسافرتین اصفهان، قرار داد.

۱۷. و. ک. خنزرفر، لطف الله، کتیبه آثار تاریخی اصفهان

• خنزرفر، لطف الله، مسجده متر و سرزمین، شماره ۱۲۵، آبان ۱۳۵۳، صص ۳۱، ۳۲

